

## قاعده صحت

اعظم غیبی<sup>۱</sup>

### چکیده

قاعده صحت از قواعد فقهیه مشهور، معروف و متداول بین فقها است و در اکثر ابواب فقه، در کلیه معاملات، اقوال و افعال مسلمان و غیرمسلمان، کاربرد فراوان دارد و به اشکال گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. از میان ادله‌ای که بر اعتبار و حجیت این قاعده اقامه شده، سیره عقلا به عنوان عمده‌ترین دلیل می‌باشد که ردعی هم از سوی شارع بر این سیره صورت نگرفته است. مشهور فقها این قاعده را اماره و حاکم بر استصحاب می‌دانند و حتی در فعل غیرمسلمان نیز قابل جریان است. در این نوشتار به بررسی این قاعده و اشکالات مطرح شده در آن و نیز قلمرو جریان این قاعده می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** قاعده فقهی، اصل، صحت، فساد

---

<sup>۱</sup> طلبه سطح چهار (دکتری - فقه و اصول) - مدرس حوزه و دانشگاه

کار در حوزه قواعد فقهی توسط علماء از قدمت بالایی برخوردار است. یکی از قواعد فقهی مهم و متداول میان فقها، قاعده صحت است که در غالب کتب فقهی به این قاعده و کاربرد آن در ابواب فقهی مختلف اشاره شده است. این قاعده بر مبنای فطرت استوار است و این حقیقت را اثبات می‌کند که اسلام آدمی را دور از خطا و گناه می‌شمارد و اصل را احتراز از زشتی می‌داند. این قاعده در مواردی که شک در صحت موضوع بوده و منشأ شک هم اشتباه امور خارجی باشد، جریان دارد. از جمله کتبی که در این مقاله استفاده شده است، می‌توان به فرائد الاصول شیخ انصاری القواعد الفقهیه آیت الله مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه علامه بجنوردی و آیت الله فاضل لنکرانی و عوائد الایام مرحوم نراقی اشاره نمود.

### مفهوم شناسی

از آنجا که تحقیق در هر موضوعی نیازمند تبیین معانی واژه‌های آن موضوع است؛ زیرا در هر تحقیقی هدفی دنبال می‌شود که برای رسیدن به آن هدف، اولین گام آشنایی و دانستن معانی لغوی و اصطلاحی الفاظ است. از این رو ضروری است که در ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی واژگان پرداخته شود.

## الف - قاعده فقهی

### ۱ - معنای لغوی و اصطلاحی قاعده

قاعده در لغت به معنای اساس و ریشه است و به این تناسب، به ستون‌های خانه «قواعد» گفته می‌شود. (فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۱۰ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۶۱). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ...» (سوره بقره، آیه ۱۲۷). در مجمع البحرین هم آمده است: «القواعدُ جمع القاعدة و هی الاساس لما فوقه» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۲۹)

معنای اصطلاحی قاعده، رابطه تنگاتنگی با معنای لغوی آن دارد. تهانوی در توصیف معنای اصطلاحی قاعده می‌نویسد: «أَنَّهَا أَمْرٌ كُلِّيٌّ مُنْتَبِئٌ عَلَى جَمِيعِ جَزْئِيَّاتِهِ عِنْدَ تَصَرُّفِ أَحْكَامِهَا مِنْهُ؛ قَاعِدَةٌ أَمْرِيَّةٌ كَلِّيَّةٌ كَمَا أَنَّهَا حَمَلٌ شَرْحِيٌّ لِأَحْكَامِ جَزْئِيَّاتِهِ مِنْهُ بِرِجْلِهَا جَزْئِيَّاتِهِ خُودَ مُنْتَبِئٌ بِأَنَّهَا». (تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون ج ۵، صص ۱۱۷۶ و ۱۱۷۷)



## ۲ - تعریف قاعده فقهی

در تعریف قواعد فقهی میان فقها اتفاق نظری وجود ندارد و هر يك از تعاریف به یکی از جنبه‌های تمایز قاعده فقهی با سایر قواعد اشاره دارد که در ذیل برخی از این تعاریف غیر مشهور را بیان می‌کنیم:

۲ - ۱ - «انها قواعد تقع في طريق استفادة الاحكام الشرعية الالهيه و لا يكون ذلك من باب الاستنباط و التوسيط بل من باب التطبيق؛ قواعد فقهی قواعدی است که در راه به دست آوردن احکام شرعی الهی واقع می‌شوند، ولی این استفاده از باب استنباط و توسیط نبوده بلکه از باب تطبیق است». (محمد اسحاق فیاض محاضرات فی اصول الفقه (تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم خوئی)، ج ۱، ص ۸۰)

۲ - ۲ - «اصول فقهیه کلیه فی نصوص موجزه دستوریه تتضمن احکاما تشریحیه عامه فی الحوادث التي تدخل تحت موضوعها؛ قواعد فقهی، اصول فقهی کلی است با عبارت‌های کوتاه و اساسی که احکام تشریحی عامی را که در موضوعات آن‌ها داخل است، شامل می‌شود». (مصطفی زرقاء، المدخل الفقهی العام، ج ۲، ص ۹۴۱ - ر.ک: فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ص ۹)

۲ - ۳ - «قاعده فقهی، حکم کلی فرعی شرعی است که بر موارد جزئی بسیاری در ابواب مختلف منطبق می‌شود». (ابراهیم الصدیقی، تحریر القواعد الفقهیه، ص ۱۶)

۲ - ۴ - «قاعده فقهی قاعده‌ای است که اجرای آن میان مجتهد و مقلد مشترك است بر خلاف قاعده اصولی که مختص به مجتهد است». (شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، صص ۵۴۴ و ۵۴۵)

## ب - اصل صحت

### ۱ - تعریف لغوی و اصطلاحی اصل

در تعریف لغوی اصل آمده است: «الأصل ما بيني عليه الشيء» (زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۹۵ - حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۷، ص ۲۰۰)

اصل در اصطلاح فقهاء و اصولیون در پنج معنا به استعمال می‌شود: (عیسی ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۹۴)

۲ - ۱ - اصل در مقابل فرع

۲ - ۲ - اصل در معنای رایج و ظاهر

۲ - ۳ - اصل به معنای دلیل؛ یعنی کاشف و راهنما از چیزی



۲ - ۴ - اصل به معنای قاعده

۲ - ۵ - اصل به معنای حکم ظاهری در هنگام عدم دسترسی به حکم واقعی

در این بحث، معنای چهارم اصل؛ یعنی «قاعده» مد نظر است و «اصل صحت» به معنای «قاعده صحت» می‌باشد.

## ۲ - تعریف صحت

برای صحت دو معنا تصور شده است:

۱ - صحت در برابر ناروایی و نادرستی و حرمت. بنا بر این تعریف، حمل بر صحت؛ یعنی باید رفتار مسلمان را عملی حلال و مشروع به حساب آوریم، نه نامشروع. (ابوالقاسم گرگی، مجموعه مقالات حقوقی، اصل صحت، ص ۳۵۱)

۲ - صحت در برابر فساد. معنای حمل بر صحت در این فرض این است که باید رفتار فرد مسلمان به گونه‌ای تفسیر شود که آثار صحیح شرعی بر آن مترتب باشد. (همان، صص ۳۵۱ و ۳۵۲ - عیسی ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۲۰۵)

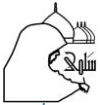
به بیان دیگر اصالت الصحت به معنای اول، عبارت است از اینکه چنانچه فعل از غیر صادر شده باشد و در حرمت و حلیت آن فعل شک شود، بنا بر جواز و حلیت تکلیفی گذاشته می‌شود. در معنای دوم، ترتب آثار صحت وضعی است، در مقابل فساد. به این معنا که در هر دو مورد چنانچه فعلی از غیر صادر شود و صحت و فساد آن عمل برای دیگران منشأ اثر باشد، مبنا را صحت آن عمل می‌گذارند، مانند اتیان واجبات کفایی. (محمد موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، ج ۱، ص ۹۲)

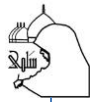
## ۳ - تعریف اصل صحت

قاعده یا اصل صحت و به اصطلاح فقهی «اصالت صحت» از قواعد بسیار مهم فقه است که کاربرد فراوان دارد و به اشکال گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. این اصل به معانی مختلف استعمال گردیده، ولی مشهورترین آن‌ها دو معنا به شرح زیر است:

### ۱ - اصل صحت به مفهوم جواز تکلیفی

منظور از اصل صحت در این معنا آن است که اعمال دیگران را اصولاً باید صحیح، مشروع و حلال تلقی کرد و مادام که دلیلی بر عدم صحت و وجود حرمت پیدا نشده، هیچ کس حق ندارد در صورت دوران امر بین احتمال صحت و مشروعیت از يك طرف و عدم صحت و





عدم مشروعیت از طرف دیگر، اعمال افراد را نامشروع و غیر صحیح بیندارد. این اصل با فطرت و طبیعت بشر نیز مطابقت می‌کند؛ زیرا گناه، جرم و عمل نامشروع و ناصحیح، فطری و طبیعی بشر نیست، بلکه عناوین عارضی است که به علل و جهات گوناگون در بشر پیدا می‌شود و الا بشر از روز اول بر فطرت و طبیعت صحیح و مشروع و حلال آفریده می‌شود و فطرت پاک او اقتضا دارد که از آن مسیر منحرف نگردد. (محقق داماد، قواعد فقه، ج ۱، ص ۱۹۵)

## ۲- اصل صحت به مفهوم وضعی

اصل صحت در این معنا مقابل فساد است و يك حکم وضعی است. همان طور که گفته شد، در اصل صحت به معنای تکلیفی، اشخاص موظف‌اند اعمال دیگران را بر صحت، یعنی مشروعیت، حمل کنند و بر اجرای این اصل، بیش از این که دیگران ناصالح پنداشته نشوند آثاری مترتب نیست، ولی در معنای اخیر نوع تلقی نسبت به اعمال دیگران در ایفا یا اسقاط تکالیف و تنظیم روابط عبادی یا حقوقی مؤثر است. به عبارت دیگر اصل صحت در معنای تکلیفی بیشتر جنبه اخلاقی و روانی دارد، در حالی که در مفهوم وضعی، آثار و نتایج عملی حقوقی بر آن مترتب است، مثلاً شخصی عقد یا ایقاعی صورت داده و تردید می‌کنیم که آیا این اعمال حقوقی صحیح واقع شده است یا نه؟ یعنی ارکان و شرایط معاملات و مقررات عمومی حاکم بر اعمال حقوقی به درستی تحقق یافته است یا نه؟ هنگام بروز این شك و تردید، به حکم اصل صحت در معنای وضعی، باید آن عقد و ایقاع را محمول بر صحت بدانیم و بر اساس این برداشت می‌توانیم با اعتبار بخشیدن به آن عقد یا ایقاع، رابطه حقوقی خود را تنظیم کنیم. در غیر این صورت لازم است که راجع به مقدمات و نحوه تحقق معامله بررسی کرده، از چگونگی وقوع آن تفحص کنیم که تکلیفی است مشکل و چنانچه اصل صحت استقرار نداشت برای مردم اشکالات بزرگی تولید می‌شد. (همان، ص ۱۹۸)

## ادله حجیت قاعده صحت

### الف - ادله حجیت قاعده صحت به معنای تکلیفی

- ۱ - آیات در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که دلالت بر اعتبار اصل صحت می‌کند؛ (شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۷۱۷ - علی نقی حیدری، اصول الاستنباط، ص ۲۹۳) از جمله:
  - ۱ - ۱ - آیه «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ برای مردم خوبی بگویید». (بقره، ۸۲)

شیخ انصاری در مورد این آیه فرموده است که درباره مردم تا وقتی که چگونگی کارشان معلوم نشده است جز به خیر سخن نگوئید. (انصاری، رسائل، ص ۴۱۵)

برخلاف اعتقاد بعضی که قول را در اینجا به معنای اعتقاد می‌دانند، روایات زیادی دلالت دارد بر این مطلب که قول حسن، کنایه از معاشرت بالمعروف است، چنانچه در تفسیر امام حسن عسگری علیه السلام آمده است: «قولوا للناس حسناً؛ ای عاملوهم بخلق جمیل». در روایتی از جابر از امام محمد باقر علیه السلام هم آمده است که منظور از این آیه، این است که «وقولوا للناس أحسن ما تحبون أن يقال لكم؛ نیکوترین قولی را که دوست دارید در حق خود شما گفته شود، در حق دیگران بگوئید». (کلینی، الکافی، ج ۲ ص ۱۶۵) (مکارم شیرازی، القواعد الفقهیة، ج ۱، ص ۱۱۵)

۱ - ۲ - آیه «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات، ۱۲)



شیخ انصاری در مورد این آیه فرموده است که در این آیه خداوند از بعضی ظنون نهی کرده است و قدر متقین از آن، ظن سوء است و نهی از آن، به معنای ترتیب اثر ندادن به گمان‌های بد است. (انصاری، فرائد الاصول، طبع انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۷۱۷) (مکارم شیرازی، همان، ص ۱۱۶ - بجنوردی، قواعد فقهیه، ص ۹۲)

بنا بر آنچه که مرحوم نراقی نقل کرده است، طریقه استدلال به این آیه در اثبات اصالت الصحت بدین نحو است که لازمه اجتناب از بعضی ظنون، اجتناب از تمام ظنون است؛ زیرا برای اطمینان یافتن به انجام طلب و خواست مولا در اجتناب از بعضی ظنون، باید از تمام ظنون اجتناب شود و این به معنای حمل اقوال و افعال مسلمین بر صحت است. (ملا احمد نراقی، عوائد الایام، قاعده ۲۳، ص ۲۳۱ - محمد کاظم مصطفوی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۵۰)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» عمومیت این آیه تمام عقود را در بر می‌گیرد و این به معنای امر شارع مقدس به وفای به تمام ملزومات حاصل از عقود است و این مسئله فرع بر فرض صحت عقود واقعه از طرف مردم، نزد شارع است. (انصاری، همان - ر.ک: بجنوردی، همان، ج ۱، ص ۴۷)

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ

در این آیه «تجارة عن تراض» مباح و جایز شناخته شده است و این فرع بر صحت غالب انواع این گونه تجارت میان مردم در نزد شارع دارد. (شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۳، ص ۳۴۵ - بجنوردی، قواعد فقهیه، ص ۴۷)

## ۲- روایات

برای اعتبار اصل صحت، روایات زیادی وارد شده است، از جمله:  
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي كَلَامٍ لَهُ ضَعَّ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَحِدُّ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا ۲ — ۲ — روایت امام صادق (عليه السلام) به محمد بن فضل: «يَا مُحَمَّدُ كَذَبُ سَمْعِكَ وَ بَصَرُكَ عَنْ أَخِيكَ فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً؛ گوش و دیده‌ات را در مورد برادر خود تکذیب کن. اگر پنجاه نفر بگویند که وی چنان گفت و او بگوید من نگفته‌ام، سخن وی را درست پندار و از دیگران باور نکن» (الکافی، ج ۸، ص ۱۴۷)

۲ — ۳ — روایت پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ حُجَّةٌ» (الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶) و سایر روایاتی که می‌توان از آن‌ها لزوم حمل امر برادر مسلمان را بر صحت استفاده نمود، مگر اینکه دلایل اثباتی برخلاف این اصل وجود داشته باشد. (ر.ک: مکارم شیرازی، همان، ج ۱، ص ۱۱۶)  
با مراجعه به این روایات معلوم می‌شود که اسلام فطرت آدمی را بر پاکی و درستی می‌داند و دستور می‌دهد که اعمال دیگران را حمل بر صحت کنند.

## اشکالات ادله صحت به معنای تکلیفی

### ۱- نقد دلیل آیات

مکارم شیرازی استدلال به آیات را در این زمینه عجیب دانسته و می‌فرماید: «احکام موجود در آیات، به موضوعات واقعیه برگشت دارد و تمسک به عموم این آیات در زمان شک، از قبیل تمسک به عام در شبهات مصداقیه است که باطل می‌باشد». (مکارم، همان)  
آیات «اوفوا بالعقود» و «تجارة عن تراض» هم در خصوص صحت تکلیفی، مثبت اصل نبوده و محل آن‌ها بحث از صحت وضعی است. (ر.ک: همان)

### ۲- نقد دلیل روایات

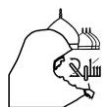
در خصوص روایات هم گفته شده است که بعضی یا غالب اخبار وارده در این باب، مرسله و ضعیف هستند و ضعف آن‌ها به واسطه شهرت و عمل اصحاب، جبران نمی‌شود. در مجموع این اشکالات به این روایات وارد است:

۲ — ۱ — در تمامی روایاتی که از لفظ «أخیک» و یا «المومن» استفاده شده، منظور شیعه است، نه فعل همه مردم، چنانچه که موضوع این قاعده هم این است، حتی بر روایاتی که لفظ



«مسلم» در آن‌ها به کار رفته چنین ایرادی وارد است و در نتیجه حکم نمی‌تواند دلالت عمومی بر صحت داشته باشد. (مکارم، همان، ج ۱ ص ۱۱۷ - نراقی، همان، ص ۲۳۰)

۲ — ۲ — روایات موثقه با بعضی یا غالب روایات مذکوره معارضه دارند، مانند روایت موثقه عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «لَا تَعْفُ بِأَخِيكَ كُلَّ الثَّقَةِ» (الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲) که این روایت به صراحت از وثوق تام و کامل به برادر مسلمان نهی می‌کند. (عوائد الایام، ص ۲۳۰) و یا روایت محمد بن هارون الجلاب که از امام کاظم (علیه السلام) چنین نقل می‌کند: «إِذَا كَانَ الْجُورُ أَغْلَبَ مِنَ الْحَقِّ لَمْ يَحِلَّ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ مِنْهُ؛ چنانچه زمانه به صورتی در آمد که ستم در آن بر حق غلبه یافت، صحیح نیست که کسی به کسی گمان نیک برد، تا زمانی که اطمینان به صدور خیر از وی پیدا کند» (الکافی، ج ۵، ص ۲۹۸)



شکی نیست که بعد از زمان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) تا زمان فعلی، همواره جور و اهلش بر حق غالب بوده‌اند، پس باید برای حمل گفتار و افعال دیگران بر صحت، قرینه‌ای خاص یافت و الا ظن خیر بردن بر مسلم به طور عموم طبق فرمایش مذکور حرام است و باطل. (عوائد الایام، ص ۲۳۰) نتیجه اینکه نمی‌توان از آیات و اخبار مذکور بر صحت حمل فعل و قول مسلمان استفاده کرد، بلکه این مجموعه از آیات و روایات، بر صدق و صحت گفتار و اعمال مؤمن ثقه دلالت دارد که خاص بوده و نمی‌توان آن را به دیگر مصادیق سرایت داد. (همان) از طرفی موضوع قاعده صحت عموم الناس است، نه یک مورد خاص. علامه بجنوردی نیز در این باره فرموده است: «وَأَمَّا الاستدلال عليه بالأیات و الروایات فلا یخلو عن مناقشه بل منع فی أكثرها». (میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۲۸)

۲ - ۳ - نهایت این است که این روایات، بیان حقوق برادران مؤمن از باب استحکام مودت و برادری بین ایشان است و نمی‌توان آن را بر جمیع مسلمین حمل کرد. (مکارم، همان)

## ب - ادله حجیت قاعده صحت به معنای وضعی

### ۱ - آیات

دو آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ»، دلالت دارند بر اینکه هر چیزی که عنوان عقد و تجارت عن تراض بر آن صدق کند، صحیح است ولو آنکه احتمال نقابصی در آن وجود داشته باشد. (شیخ انصاری فرائد الاصول، ج ۳، ص ۳۴۵)



## ۲- ظهور حال مسلمان

ادعا این است که مسلمانان از این جهت که مسلمان اند و پایبند مقررات اسلامی، مرتکب عملی خلاف این مقررات نمی‌گردند و در نتیجه باید اعمال آن‌ها را حمل بر صحت نمود. (شیخ انصاری، همان - محقق داماد همان، ص ۲۱۳)

## ۳- استقراء

آیت الله مکارم شیرازی معتقد است که با توجه به حجیت هر آنچه سبب ظن اطمینانی و سکون نفس می‌شود، با مراجعه به ابواب مختلف فقهی این استقراء غالبی اگرچه موجب علم و یقین نباشد، ولی شأنیت دارد و می‌تواند برای عقلا در جریان اصل صحت در موارد مشکوک حجت باشد. (همان، ج ۱، صص ۱۲۲ و ۱۲۳)

## ۴- اجماع

با تتبع در آثار فقها در می‌یابیم که در پذیرش این اصل اتفاق نظر وجود دارد و این حاکی از اجماع عملی و فتوایی بر اعتبار اصل مذکور است، مثلاً اگر بین دو نفر در مورد صحت و فساد عملی اختلاف باشد، همه علماء قائل به تقدیم قول کسی هستند که مدعی صحت است. شیخ انصاری و نائینی معتقدند که شکی نیست که فی‌الجمله چنین اجماعی وجود دارد. (فرائد الاصول، ص ۴۱۴ - فوائد الاصول، ج ۴، ص ۶۵۴)

## ۵- سیره عقلا

بنا به نظر علامه بجنوردی در قواعد الفقهیه (ج ۱، ص ۲۳۹) و اکثر علماء از جمله (مکارم شیرازی، همان ص ۱۲۳)، عمده دلیل بر اعتبار اصالت الصحت، سیره عقلا از جمیع ملل در جمیع عصرها و زمان‌هاست که جزء آراء محموده و تأدیبات اصلاحیه به شمار می‌رود و شارع مقدس هم ردعی بر سیره و توافق عقلا ندارد؛ زیرا خود، رئیس العقلاء و خالق عقل است و این خود دلیل است بر اینکه قانون‌گذار اسلامی، روش عقلا را حجت شمرده است؛ بنابراین، بنا بر سیره عقلا تا زمانی که دلیل قطعی بر فساد معامله‌ای اقامه نشود، یا فاعل، متهم نباشد، به‌صرف ظن اطمینانی به صحت فعل و سکون نفس، حکم به صحت آن معامله می‌شود. (ر.ک: شیخ انصاری، همان، ص ۴۱۶ - مکارم شیرازی، همان، ج ۱، ص ۱۲۳)



## اشکالات ادله صحت به معنای وضعی

### ۱ - نقد دلیل آیات

استدلال مذکور در دو آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ»، از دو ناحیه مورد ایراد است:

الف - این دو آیه - بر فرض صحت استناد - تنها اصل صحت را در زمینه عقود و ایقاعات ثابت می‌کنند، در صورتی که قلمرو اعمال این قاعده، دامنه دارتر از این‌هاست و دیگر رفتارهای شرعی انسان را هم فرا می‌گیرد. (مجموعه مقالات حقوقی، صص ۳۵۴ و ۳۵۵)

ب - استناد به آیات مذکور به‌منظور اثبات اصل صحت در اعمال دیگران، درست نیست؛ زیرا عموم هر دو آیه به‌وسیله معاملات غروی و ربوی مورد تخصیص واقع شده و تمسک به این آیات در معاملات مشکوک از موارد تمسک به عام در شبهه مصداقیه است و چنین تمسکی صحیح نیست. (همان)

### ۲ - نقد دلیل ظهور حال مسلمان

به دلیل ظهور حال مسلم، دو اشکال وارد است و سبب تام نبودن این دلیل گشته است:

۱ - ۲ - نهایت چیزی که از این دلیل استفاده می‌شود این است که مسلمین بماهو مسلمون مرتکب حرام نمی‌شوند، اما امکان اینکه مرتکب عمل نادرست شوند، وجود دارد ولو اینکه آن عمل حلال باشد، در نتیجه این استدلال نسبت به اصل صحت به معنای تکلیفی درست است، ولی نسبت به اصل صحت به معنای وضعی (ترتیب اثر آثار شرعی بر عمل) صحیح نیست.

۲ - ۲ - اصل صحت، تنها مربوط به مسلمین نیست، بلکه تمام افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان را فرا می‌گیرد. (مصطفوی، همان، ص ۱۵۴)

### ۳ - نقد دلیل استقراء

مرحوم نراقی استقراء را مثبت جریان اصالت الصحت در موارد مشکوک نمی‌داند. وی در خصوص استقراء می‌فرماید: «مراد از استقراء، یا استقراء احکام وارده در روایات ائمه (علیهم‌السلام) است و یا استقراء وارده در کلمات علماء و ابرار و هیچ کدام از این دو استقراء، جریان اصالت الصحت را در موارد مشکوک ثابت نمی‌کند؛ زیرا اولاً استقراء تام تحقق‌پذیر نیست و ثانیاً استقراء





ناقص هم به فرض قبول، در صورتی مفید است که معارضی نداشته باشد. (عوائد، ص ۲۳۲) و حال اینکه در مسئله مورد بحث موارد خاصی وجود دارد که معارض با استقراء است، بعضی از این موارد عبارت‌اند از:

سألته عن رجل تزوج أمة، أو تمتع بها، فحدّثه ثقة أو غير ثقة، فقال: إن هذه امرأتی و لیست له بیّنة، قال: إن كان ثقة فلا یقربها و إن كان غیر ثقة فلا یقبل منه؛

این روایت با کلیت قاعده صحت تعارض دارد. (ر.ک: نراقی، همان، ص ۲۳۳)

۲ — ۳ — موثقه عمار بن موسی از امام صادق (علیه السلام): «إنه سأل عن الرجل يأتي بالشراب، فيقول: هذا مطبوخ على الثلث، فقال: «إن كان مسلماً ورعاً مأموناً فلا بأس أن يشرب؛ فردی مایعی را آورده و ادعا می‌کند که شراب نیست (آیا ادعای او پذیرفته می‌شود یا تحقیق در خصوص آن مایع لازم است؟) امام (علیه السلام) فرمود: اگر مسلمان با ورع و امینی باشد، اشکالی در شرب آن مایع نیست». (طوسی، همان، ج ۹ ص ۱۱۶)

#### ۴ - نقد دلیل اجماع

اجماع ارزش استقلالی ندارد و فقط در صورتی که کاشف از قول، فعل و تقریر معصوم (علیه السلام) باشد، حجت است و چنانچه برای اجماع مستند دیگری موجود باشد، چنین کاشفیتی نخواهد داشت. (بجنوردی، همان، ج ۱، ص ۴۷)

#### تنبیها ت قاعده صحت

##### الف - ملاک صحت

سؤالی که اینجا مطرح است این است که ملاک صحت در این قاعده کدام است صحت واقعی یا صحت به اعتقاد فاعل؟ در مقام اثبات باید دید مقتضای ادله‌ای که بر حجیت این قاعده اقامه شده است، کدام يك از احتمالات می‌تواند باشد؟ با ملاحظه ادله می‌بینیم که همگی - اعم از بنا عقلا، اجماع و تسالم اصحاب - دلالت بر صحت واقعی دارند. در واقع بنا عقلا در کلیه معاملات واقعی بین مردم بر اصل صحت استوار است و این امر به اعتبار صحت واقعی است، و الا اگر بنا باشد که حمل معاملات بر صحت به اعتبار صحت عند الفاعل باشد، نیازی به این حمل نیست و لغویت لازم می‌آید و بنابراین اعتبار عقلایی ندارد. به تعبیر دیگر، همان طور که در قاعده فراغ، بنا عقلا حمل بر صحت واقعی است. در قاعده صحت نیز چنین

است. با این فرق که در قاعده فراغ، حمل بر صحت در فعل نفس و شخص است و در قاعده صحت این حمل در فعل غیر است. اجماع فقها یا فحوای روایت حفص هم که همان اختلال نظام باشد، دلالت بر صحت واقعی دارند. (ر.ک: مکارم، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۲۴)

## ب - اصل صحت اماره است، یا دلیل عملی

دو قول در این باره وجود دارد:

### قول اول

قول مشهور این است که این قاعده، اماره است. (مکارم، همان، ج ۱، ص ۱۴۰) چنانچه برای اثبات و حجیت اصالت صحت از ظهور حال مسلمان کمک بگیریم، از امارات معتبره است.

### قول دوم

برخی از فقها مانند مرحوم نائینی (فوائد الاصول، ج ۴، ص ۶۵۴) و علامه بجنوردی (همان، ص ۲۶۵) آن را اصل عملی می‌دانند. علامه بجنوردی اصل صحت را بالاتر از براءت و مانند اصل استصحاب، اصل محرز؛ یعنی تعیین کننده واقع می‌داند. (همان) البته این قاعده فی‌الجمله بر استصحاب مقدم است؛ خواه آن را اماره بدانیم و یا اصل عملی؛ زیرا این قاعده بر استصحاب حکومت دارد. (حیدری، همان، ص ۲۹۲)

### قول سوم

برخی نیز قائل به تفصیل شده‌اند، همچنان که مکارم شیرازی آن را از محقق اصفهانی نقل کرده است. (مکارم، همان، ج ۱، ص ۱۴۲) به این بیان که اگر منشأ شک، تعدد در اخلال به صحت عمل باشد، یا احتمال غفلت و سهو برود و فاعل حکم مسئله را بداند، قاعده صحت جاری می‌شود و باید این قاعده را در این موارد، اماره دانست؛ زیرا ظاهر حال این است که انسان کار درست و صحیح و مؤثر انجام می‌دهد و احتمال سهو و غفلت خلاف ظاهر است، ولی اگر منشأ شک، جهل فاعل بوده باشد، این قاعده اصل عملی خواهد بود. (همان)

## ج - جریان قاعده صحت

قلمرو اعمال این قاعده عبارت است از:



## ۱- شک در صحت موضوع

این قاعده در جایی جاری می‌شود که اولاً شک در صحت موضوعی باشد (ر.ک: فاضل لنکرانی، اصول فقه شیعه، ج ۵، ص ۴۷۲) و ثانیاً منشأ شک هم اشتباه امور خارجی باشد، مثلاً هرگاه امام و مأموم هر دو معتقد به وجوب سوره در نماز باشند، در صورتی که مأموم مشاهده کند که امام سوره را نخوانده است، اما نمی‌داند آیا عمداً سوره را ترک کرده تا نمازش باطل باشد؛ یا فراموش کرده، پس نمازش صحیح است؟ در چنین موردی اصل صحت جاری می‌گردد. برخلاف موردی که شک در صحت حکمی داشته باشیم و منشأ آن دلیل وارده باشد که در آن صورت اصل مزبور جاری نمی‌گردد، مثلاً کسی معامله معاطاتی را صحیح می‌داند و بر آن اساس چیزی را با بیع معاطات خریده است حال اگر شخصی در صحت آن معامله شک کرد و منشأ آن شک نیز شک و تردید در صحت معامله معاطاتی باشد، در اینجا نمی‌تواند با اجرای قاعده مورد بحث حکم به صحت کند. (عیسی ولایی، همان، ص ۸۷ - قواعد فقهیه، ج ۱، صص ۴۸ و ۴۹)

## ۲- جریان قاعده صحت در کلیه معاملات

اصل صحت در کلیه معاملات، اعم از عقود و ایقاعات جاری است و بر اصالت الفساد در معاملات مقدم خواهد بود. (ر.ک: عراقی، نه‌ایة الافکار، ج ۲، ص ۸۱ - لنکرانی، اصول فقه شیعه، ج ۴، صص ۱۷۴)

گفته شده است که در صورت شک در صحت معامله - چه از ناحیه شرایط عقد و چه از جنبه شرایط متعاقدين و یا شرایط عوضین - اصل اولی عدم نقل و انتقال است که نتیجه آن هم همان فساد معامله خواهد بود و از این حیث فرقی در خصوص مدارک قاعده نیست، چه بنا عقلاً باشد، چه اجماع و تسالم اصحاب و چه فحوای روایت حفص بن غیاث. (عراقی، همان) مرحوم نراقی معتقد است که قاعده صحت در خصوص شرایط عقد جاری است، اما در صورت احتمال اخلال در شرایط متعاقدين یا عوضین، این قاعده جاری نیست. (ر.ک: عوائد الایام، عاوده ۲۳) البته توجیه مبنا ایشان این است که ما برای حجیت این قاعده اطلاقی که مدرک باشد، نداریم اجماع هم که یکی از مدارک مهم این اصل است، دلیل لبی است و لذا به مقدار قدر متیقن حجیت دارد و قدر متیقن هم همان احتمال اخلال در شرایط عقد است. (قواعد فقهیه، ج ۱، صص ۵۰ و ۵۱)



## ۳- جریان قاعده صحت در اقوال و اعتقادات

این بحث دو جزء دارد:

### ۱-۳- صحت در اقوال

چنانچه قولی از شخصی صادر شود و این قول منشأ اثر باشد و سپس در صحت و فساد آن شک شود، قاعده اصالت الصحت جاری می‌شود؛ زیرا قول ذی اثر به مانند افعال است، اما نسبت به اقوال که مورد شک قرار می‌گیرد، به این بیان که آیا گوینده اراده معنای حقیقی کرده است یا نه، یا در گفتارش صادق است یا نه و غیر آن، این مطلب ارتباطی به اصل صحت ندارد و مدرکش همان اصول عقلائییه، مانند اصالت ظهور و اصالت حقیقت و غیر این‌هاست. (شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۳، ص ۳۸۱- قواعد فقهیه، ج ۱، ص ۵۱- حیدری، همان، ص ۲۹۳)

### ۲-۳- صحت در اعتقادات

اگر مقصود از اعتقادات، اصول دین و معارف اسلامیه، مانند اعتقاد به توحید و ثبوت صفات جمالیه و جلالیه و اعتقاد به مبدأ و معاد و رسالت پیامبر اعظم (ص) و امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فرزندان ایشان (علیهم السلام) باشد، چنانچه شخص این نکته را اظهار کند، باید آثار صحت را بر گفتار او مترتب ساخت، اما اگر مقصود از اعتقادات، اعتقاد به فروع دین باشد، مثلاً شخص شک کند که آیا مجتهد جامع الشرایط که در این مسئله فتوا داده است، از روی موازین صحیح اجتهاد کرده یا بدون تحقیق و تفحص فتوا داده است، سیره متشرعه حمل بر صحت است. (شیخ انصاری، همان، ص ۳۸۲- ر.ک: مکارم، صص ۱۵۳ و ۱۵۴)

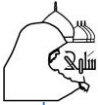
### نمونه‌هایی از کاربرد قاعده صحت

برای پی بردن به فائده علمی بحث قاعده صحت، چند مورد از کاربرد آن را در فقه مطرح می‌کنیم:

۱- وصیت به چیزی که مشترک بین حلال و حرام است.

هرگاه کسی به چیزی وصیت کند که مشترک میان حرام و حلال است، طبق قاعده **W** صحت شیء مورد نظر حمل بر حلال می‌شود. (شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۲، ص ۲۶۹)

۲- بیع صرف با تردید در قبض.

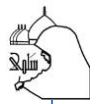


بیع صرف یا بیع تقدین، در صورتی صحیح است که قبض در مجلس صورت بگیرد. حال اگر بیع تقدین انجام بگیرد، ولی در قبض به موقع تردید داشته باشیم، می‌توانیم قاعده صحت را در اینجا پیاده کنیم. (علامه بجنوردی، همان، ص ۲۴۹ - مکارم، همان، ص ۱۳۴)

۳ - بیع مال رهنی به وسیله راهن، با شک در اذن مرتهن (علامه بجنوردی، همان)

### نتیجه

قاعده اصالت صحت از قواعد فقهیه مشهور میان فقها است که معروف به اصالت صحت هم می‌باشد. مشهور فقها این قاعده را اماره و حاکم بر استصحاب می‌دانند. مفاد این قاعده این است که اگر عملی از کسی سر زد و در درستی آن شک بود، با اجرای این قاعده، باید عمل او را حمل بر صحت نمود و تمام آثار عمل صحیح را بر آن بار کرد؛ اعم از اینکه آن عمل، عبادی باشد، مثل نماز و یا غیرعبادی باشد، مثل عقود و ایقاعات. فقها برای حجیت و اعتبار این قاعده ادله‌ای را مطرح نمودند، ظاهراً دلیل عمده بر اعتبار آن، سیره عقلانی است که در تمامی اعصار بوده و از سوی شارع نیز ردعی بر آن صورت نگرفته است و این نشانه امضاء و تأیید این قاعده از سوی شارع می‌باشد. این قاعده در کلیه معاملات، افعال، اقوال و اعتقادات مسلم و غیرمسلم جاری است.



## فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق
- ۲- انصاری، مرتضی، **فرائد الاصول**، قم: طبع انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ق
- ۳- تهاونوی، محمد علی، **کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**، لبنان: مکتبه ناشرون، چاپ اول، ۱۹۹۶ م
- ۴- حیدری، علی نقی، **اصول الاستنباط**، قم: لجنه اداره الحوزه العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق
- ۵- خوبی، سید ابوالقاسم، **محاضرات فی اصول الفقه**، قم: موسسه إحياء آثار الامام الخویی، چاپ اول ۱۴۲۲ ق

- ۶- زبیدی، **تاج العروس**، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق
- ۷- الصدیقی، ابراهیم، **تحریر القواعد الفقهیه**، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران
- ۸- طریحی، فخر الدین، **مجمع البحرين**، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق
- ۹- طوسی، محمد بن حسن، **التهذیب الأحکام**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق
- ۱۰- عاملی، زین الدین بن علی، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه المدمشقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق

- ۱۱- عراقی، ضیاء الدین، **نهاية الافکار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق
- ۱۲- فاضل لنکرانی، محمد، **اصول فقه شیعه**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش
- ۱۳- **القواعد الفقهیه**، بی‌جا، بی‌تا
- ۱۴- فیومی، احمد بن محمد، **مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم: منشورات دار الرضی چاپ اول، بی‌تا

- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق
- ۱۶- محقق داماد، سید مصطفی، **قواعد فقه**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ ق
- ۱۷- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر، چاپ اول ۱۴۰۲ ق

- ۱۸- مصطفوی، محمد کاظم، **القواعد الفقهیه**، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق

- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، **القواعد الفقهیه**، قم: مدرسه امام امیر المومنین (علیهم السلام)، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ق
- ۲۰- موسوی بجنوردی، سید حسن، **القواعد الفقهیه**، قم: نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق
- ۲۱- موسوی بجنوردی، محمد بن حسن، **قواعد فقهیه**، تهران: موسسه عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ق
- ۲۲- نائینی، **فوائد الاصول**، قم: مطبعة العرفان، چاپ اول، ۱۳۵۲ ش
- ۲۳- نزاقی، ملا احمد، **عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام**، قم: دفتر





تبیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش  
۲۴- ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ش



فصلنامه علمی،  
شماره چهارم ۳ تابستان ۱۳۹۵

W